

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی رهیافت

سال هفدهم، شماره ۶۴، پاییز ۱۴۰۲
صفحه ۱۰۳ تا ۱۲۲

تحلیل آسیب شناسانه تمدن اسلامی از منظر آیت الله خامنه ای

و سید حسین نصر

علی محسنی شنبه بازاری / دانشجوی دکتری رشته اندیشه‌های سیاسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی،
چالوس، ایران ali.ms@iran.ir

سعید اسلامی / دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران (نویسنده مسئول).

کمال پولادی / استادیار گروه علوم سیاسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

چکیده

هدف این نوشتار، مطالعه تطبیقی اندیشه آیت الله خامنه‌ای به عنوان یک فقیه سیاسی و حاکم اسلامی و سید حسین نصر به مثابه فیلسوف سنت گرای اسلامی؛ در زمینه آسیب شناسی تمدن اسلامی است. فرضیه مدعی است؛ در اندیشه هر دو متفکر؛ سطح بالایی از اشتراک نظر با محوریت خوانش انتقادی از مولفه‌های مفهومی تمدن، با تاکید بر آسیب های موجود در عوامل درونی تمدن اسلامی وجود دارد. بدین منظور، از نظریه جستاری توماس اسپریگنز، و روش تحقیق کیفی با استفاده از رویکرد توصیفی تطبیقی بهره گرفته شده و گردآوری مطالب با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، انجام پذیرفته است. یافته‌ها حاکی است؛ دو عامل اصلی درونی و بیرونی محور اصلی آسیب‌های تحقق تمدن اسلامی است و در دیدگاه تمدنی هر دو اندیشمند؛ توجه به ابعاد متنوع دین، بازگشت به سنت، رجوع به قرآن و سیره معصومین و مخالفت با سکولاریسم نقش تعیین کننده‌ای داشته و در مقوله آسیب شناسی عوامل بیرونی دخیل در تمدن اسلامی؛ عواملی آسیب زا همچون، اختلافات مذهبی و سیاسی مسلمانان، ترویج سکولاریسم و سبک زندگی غربی اشتراک نظر وجود دارد.

کلیدواژه: آیت الله خامنه‌ای، حسین نصر، تمدن اسلامی، آسیب شناسی.

تاریخ تایید: ۱۴۰۲/۱/۲۷

تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۱۱/۱۶

مقدمه

دستیابی به تمدن اسلامی نیازمند تمدن پژوهی و شناخت منظومه‌های فکری تمدنی است که، شناخت آسیب‌ها و موانع تحقق تمدن‌ها در جهت نیل به اهداف تعیین شده را پیش روی ما می‌گذارد. ویژگی‌های بارز هر تمدن متأثر از متفکران آن حوزه تمدنی است، لذا کسب معرفت نسبت به نظرات اندیشمندان صاحب نظر در این عرصه و شناخت آسیبهای مبتلابه تمدنها می‌تواند آگاهی جامعی نسبت به فضای تمدنی، از گذشته‌های دور تا کنون، ارائه نموده تا با دوری نمودن و احتراز از آنها، از برخی از نگرشها، رویه‌ها و اقدامات ناصواب دوری گردد و بسترهای نظری لازم جهت نیل به تمدن اسلامی فراهم شود، بنابراین امر محرک نگاشتن این نوشتار گردیده است. در دوره‌های که تمدن دگر ستیز غربی با ارائه نظریه «جنگ تمدن‌ها»، سایر تمدن‌های غیر غربی را به هموردی می‌طلبید، ضرورت شناخت مشکلات، معضلات و آسیب‌های تمدن اسلامی بیش از پیش احساس می‌گردد. اهمیت انجام این پژوهش از آنجا نشأت می‌گیرد که تفکر ایت‌الله سید علی خامنه‌ای به عنوان اندیشمند و فقیه سیاسی و رهبر انقلاب اسلامی که یکی از اهداف روشن و ذاتی انقلاب اسلامی ایران را ساختن و بنا نهادن تمدن نوین اسلامی ابراز نموده است و سیدحسین نصر به عنوان فیلسوف و اسلام شناس با عقاید سنتی از تمدن اسلامی، به صورت تطبیقی بررسی گردد و آسیبها و موانع بر سر راه تمدن اسلامی از منظر این دو متفکر، که محور اصلی پژوهش حاضر است، مشخص گردد. در واقع بررسی نظرات دو متفکر که یکی رهبر معدود حکومت‌های دینی در منطقه غرب آسیا است و دیگری متفکری که در غرب زیسته و در آنجا به تحصیل و تدریس پرداخته و از افراد سیاسی و فرهنگی مشغول به خدمت در رژیم قبل از انقلاب بوده که به واسطه انقلاب ۱۳۵۷ جلای وطن کرده است، بر اهمیت و جذابیت پژوهش خواهد افزود. این نوشتار، در پی پاسخ به این سوال است که، وجوه اشتراک و افتراق نظر دو متفکر یاد شده در این زمینه چیست و آسیبهای موجود در تمدن اسلامی از نظر آنان کدام است؟ فرضیه پژوهش مدعی است، در نظرات آسیب شناسانه هر دو متفکر، نگرش نقادانه به فرهنگ غرب، عوامل داخلی تمدن اسلامی، دوگانه‌های موجود در آن و فرهنگ مهاجم غرب، به عنوان عوامل خارجی موثر بوده است. برای این مهم از نظریه جستاری توماس اسپریگنر^۱ به عنوان چهارچوب نظری

1. Thomas. A. Sparagens

بهره گرفته شده است. نظریه جستاری اسپریگنز به دلیل دارا بودن رویکرد سنتی و نیز آسیب شناسانه نسبت به فرهنگ‌ها و تمدن‌ها برای این پژوهش مناسب تلقی گردیده است. روش پژوهش از نوع کیفی مبتنی بر رویکرد توصیفی تطبیقی است که در آن، با روش کتابخانه‌ای و اسنادی و فیش برداری از کتب، مقالات متعدد و سخنرانی‌ها به گردآوری مطالب همت گماشته شده است. این پژوهش به مقوله تمدن رویکردی تاریخی نداشته بلکه رویکرد آن موضوعی نظری و از نوع مفهوم شناسی بوده و در صدد بیان آسیب‌های برشمرده شده از سوی دو متفکر بر اساس مدل‌های ذهنی آنان در خصوص تمدن اسلامی است. بدین سان تلاش گردیده در ابتدا به تفکیک نظرات هر اندیشمند مورد بررسی قرار گیرد و سپس آسیب‌های برشمرده شده بیان گردد و بعد از آن، وجوه اشتراک و افتراق آنها، از منظر هر دو متفکر مشخص شود. در این مسیر، یافته‌های پژوهش حکایت از تاکید هر دو اندیشمند، به آسیب‌های دورنی تمدن اسلامی و نیز هجمه‌های فرهنگ غربی بدان، به عنوان عامل بیرونی دارد. نتیجه پژوهش بیان می‌دارد که نقاط اشتراک اندیشه دو متفکر یاد شده بیشتر از اختلاف نظر آنها است.

پیشینه تحقیق

تمدن اسلامی، بنا به اهمیت بسیار والایی که در میان متفکران مسلمان دارد آثار زیادی را به خود اختصاص داده و قسمتی از این پژوهشها نیز به آسیبها و موانع موجود بر سر راه تحقق آن پرداخته است. برخی از کتب به تمدن اسلامی و بایسته و الزامات تحقق آن اختصاص یافته که در کنار بیان الزامات تمدن اسلامی، نگرشی آسیب شناسانه نیز ارائه نموده اند که به اختصار عبارتند از؛ کتاب «تمدن شناسی» از عطاالله بیگدلی که به چگونگی بروز، ظهور و افول تمدن‌های پرداخته و شرایط و وضعیت تمدن اسلامی را در این برهه از تاریخ بیان نموده است. کتاب دیگر با عنوان «انقلاب اسلامی تمدن ساز ایران و فروپاشی نظم آمریکایی با تاکید بر اندیشه آیت الله خامنه‌ای» تالیف غلامرضا جمشیدیها و سید محمد جواد قربی که به مواجهه دو تمدن، بایسته‌های تمدن اسلامی و فرجام تمدن غرب پرداخته است. مجتبی دولتی و حسن زرقاتی در کتاب «هندسه تمدن ساز انقلاب اسلامی» با رویکرد گفتمان محور و ارجاع به دال مرکزی انقلاب اسلامی به سایر دالها مانند اسلام آمریکایی و اندیشه‌های انحرافی در مواجهه با تمدن اسلامی پرداخته اند. «نگاه دوم» اثری از عبدالله مجدمی و مرتضی هاشمی، که به منظومه تمدنی آیت الله خامنه پرداخته و علاوه بر الزامات تمدنی مطروحه، به آسیب‌ها اشاره نموده است. کلثومی (۱۳۹۴) در، «موانع و

آفات درونی در تحقق تمدن نوین اسلامی»، و زنگویی و همکاران (۱۳۹۴) در «آسیب شناسی، موانع و چالش‌ها در تحقق تمدن نوین اسلامی» منتشر شده در اولین همایش ملی تمدن نوین اسلامی و نیز، مقاله رحیم یوسف وند و اقبال امیری (۱۳۹۸) ذیل عنوان «الزامات و آسیب‌های تحقق تمدن نوین اسلامی» علیرغم اشاره به آسیب‌های تمدن اسلامی و موانع آن، هر سه فاقد چارچوب نظری مشخص هستند. ابوالقاسم عظیمی و همکاران (۱۴۰۰) در «واکاوی عوامل رکود آفرین و موانع اعتباری ایجاد تمدن نوین اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری» همان گونه که از عنوان مقاله پیداست، موانع و آسیب‌ها بر اساس نظر رهبر مظم انقلاب را از روزنه نظریه اعتباریات علامه طباطبایی برشمردند. به نظرات سید حسین نصر (۱۳۸۹) توسط سید علیرضا عالمی در کتاب «آسیب شناسی تمدن اسلامی» اشاره گردیده که در آن به بحث تمدن به طور کلی پرداخته شده است. نگرش علی اکبر ولایتی (۱۳۸۴) در کتاب «فرهنگ و تمدن اسلامی» در مورد تمدن و موانع آن، کلی و بیشتر تاریخی است. آثار متعدد دیگر بیشتر به روند تحقق تمدن اسلامی نظر دارند، که ذکر همه در این مجال نمی‌گنجد. پژوهش حاضر علاوه بر بیان آسیب‌های تمدن اسلامی از سویات الله خامنه‌ای و سید حسین نصر به مقایسه نظرات منظومه تمدنی آنان نیز پرداخته است، که تفاوت شاخص این اثر با آثار مذکور است و اثری جدید در زمره تحقیقات در مورد آسیب شناسی تمدن اسلامی است. بنابراین، مقایسه تفکر ایت الله خامنه‌ای به عنوان فقیه سیاسی و حاکم اسلامی و دکتر نصر، به عنوان فیلسوفی که به اسلام سنتی باور دارد، از تازگی و نوآوری برخوردار است، که در هیچ یک از پژوهش‌های انجام شده، به چشم نمی‌خورد.

چارچوب نظری

روزنه نگرش به موضوع این پژوهش، نظریه روش جستاری اسپریگنز است. نگرش اسپریگنز به شکل گیری اندیشه‌ها، کارکردی بوده و به روندها نظری واقع بینانه و در بستر ریشه‌های سیاسی، عمومی و یا فردی دارد. در این مورد او چهار مرحله را برای وقوع مشکل در جوامع متمایز نموده است که عبارت اند از؛ (۱). تشخیص درد یا شناخت مشکل؛ (۲). علت شناسی؛ (۳). آرمان شناسی؛ (۴). راه حل شناسی.

مشکلات فکری این مرحله اساساً همان مشکلاتی است که در آسیب شناسی، از هر نوع آن، مطرح می‌شود. نظریه پردازی که در کارکرد جامعه سیاسی کثری مشاهده کرده است، بیشتر به پزشکی می‌ماند که علایم مرضی را کشف کرده است. هیچ یک از این دو

نمی‌توانند در این مرحله کار را متوقف کنند (اسپریگنز، ۱۴۰۰: ۸۰). اندیشمندان با توجه به بستر و محیط اجتماعی و سیاسی جامعه، با واقع‌گرایی به رصد و شناخت مشکلات می‌پردازند. پس از شناخت مشکل، اسپریگنز، مرحله بعد را علت‌شناسی معرفی می‌کند. در این مرحله اندیشمند به شناسایی علل ریشه‌ای به وجود آمدن مشکل نظر دارد. وقتی علل یک مشکل مشخص گردید راه درمان درد هموار می‌گردد.

صرف تشخیص علل کافی نیست، بلکه ریشه‌های بنیادی مرض را باید کشف کرد. اگر قرار است مشکل به طور نظری کاملاً فهمیده شود و همین‌طور از نظر عملی نیز مداوا گردد، علل مساله باید روشن شود. به طور خلاصه، نظریه پرداز سیاسی، مانند یک پزشک، با وظیفه «تشخیص درد» روبرو است (اسپریگنز، ۱۴۰۰: ۸۰).

اکنون که مشکل و علت درد جوامع به طور واقع‌درک گردید، اندیشمند باید از «هست‌ها» به سوی امر مطلوب که «بایدها» است و بر اساس هنجارها و ارزش‌ها که ویژه جوامع سنتی است حرکت نماید. بدین سان جامعه باید از وضعیت بیماری خود به سوی بهبودی بر اساس بایدها و هنجارهای حرکت کند و اندیشمند در این میان جامعه آرمانی را برای جامعه ترسیم نماید که فاقد دردها، رنجها و مشکلات درک شده پیشین است.

نظریه پرداز سیاسی می‌کوشد با قرار دادن سیاست در چشم‌اندازی گسترده «تصویری جامع» به مخاطبان خود ارائه دهد. در واقع، هدف وی رفع کمبودهایی است که اغلب در سیاست دیده می‌شود. از نظر اسپریگنز هدف نظریه سیاسی این است که بازی کاملاً جدیدی را به ما بشناساند؛ هنر بزرگ نیز در این بازی ارائه روشی است که با آن، دو هنجار «هست‌ها» و «باید باشد»، اگر نه با «منطق»، دست کم به طور «طبیعی» تلفیق شوند. (اسماعیلی، عباسی، ۱۳۹۵: ۵۵۳)

راه‌حل‌های ارائه شده برای نیل به جامعه مطلوب ترسیم شده باید با توجه به ظرفیت‌ها، امکانات و هنجارهای جامعه ارائه باشد، تا با عمل به آن جامعه ترسیم شده تحقق پذیرد. او در کتاب خود به این موضوع این‌گونه اشاره نموده است: «تصویری کاملاً جامع از آن چه که هست، به خصوص در گستره سیاست، باید شامل ارزیابی از «قابلیت‌ها، امکانات، ضرورت‌ها» و حقائق باشد. هر یک از این ابعاد درباره حقیقت جهان بر آن دسته از اعمال انسان، که رفتار سیاسی عقلایی خوانده می‌شوند، تاثیر مهمی می‌گذارد.» (اسپریگنز، ۱۴۰۰: ۱۶۲-۱۶۱).

تعریف مفاهیم

تمدن

«تمدن» در لغت به معنای شهرنشینی، اسالیب شهرنشینی گزیدن آمده است که ناظر بر بیرون آمدن انسان از حالت وحشی گری است. برای مفهوم اصطلاحی تمدن، تعاریف بسیار به کار برده اند، مانند «مرحله یا نوعی خاص از فرهنگ که در عصر معینی موجودیت یافته و حاصل نبوغ اقلیت مبتکر و نوآور است.» نظمی اجتماعی که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان پذیر می شود و جریان پیدا می کند.» (حسینی، ۱۳۹۵: ۹۲)

شرح تمدن مانند برخی دیگر از مفاهیم مطرح در علوم انسانی، دارای تعاریف متعدد بوده و بیشترین هم پوشانی را با تعاریف «فرهنگ» دارد. برخی فرهنگ را در حکم نرم افزار و تمدن را به مثابه سخت افزار کلیت جوامع بشری دانسته اند که، در طول تاریخ رسوب نموده و به سبکی مورد قبول و مسلط، که در فرهنگ، هنر، شهرسازی و معماری جلوه گر گردیده و از سایر تمدن ها قابل تفکیک و تمایز است، تعریف می نمایند. بدین سان در تعریف تمدن از سوی هانتینگتون «تمدن گسترده ترین کلیت فرهنگ است. روستاها، مناطق گروه های قومی، ملیت ها و گروه های مذهبی، همه، دارای فرهنگ های متمایزی هستند و در سطوح مختلفی از تنوع فرهنگی قرار دارند.» (حسینی، ۱۳۹۵: ۳۵)، پهلوان تمدن را «مجموعه ای از شیوه های زیست خویشاوند در یک بستر جغرافیایی ملی منطقه ای و ورامنطقه ای» معرفی نموده، از نظر توین بی «تمدن ها نظام هایی پیچیده اند. تمدن کلیتی است که اجزایش با هم مرتبط هستند، یا به هم پیوند خورده اند و متقابلاً بر هم اثر می نهند. یکی از ویژگی های تمدن ها در فراگرد رشد این است که همه ابعاد و فعالیت های زندگی اجتماعی متوجه یک کل می شود و در ارتباط با این کل با هم هماهنگ می شوند و در نتیجه عناصر اقتصادی، سیاسی و فرهنگی از نظر هماهنگی درونی در تناسب با هم قرار می گیرند.» (حسینی، ۱۳۹۵: ۳۷)

می توان تمدن را رهاورد تاریخی و زمانمند انسان در راه چیره شدن بر طبیعت و مهار آن دانست، که حاصل شناسایی قوانین حاکم بر طبیعت از راه کسب و انباشت علوم و دانش های گوناگون از یک سو و سپس کشف و اختراع ابزار و امکانات لازم برای کنترل نیروهای موجود در طبیعت به نفع خواسته ها و نیازمندی های بشر، از سوی دیگر می باشد. (فاضل قائم، ۱۳۹۶: ۳۹-۳۸)

تمدن اسلامی از منظر آیت الله خامنه ای

آیت الله خامنه‌ای از تمدن تعریفی به دست نداده، بلکه به تعریف تمدن اسلامی اکتفا نموده است. ایشان تمدن اسلامی را با شاخصه‌های آن شرح می‌دهد و آن را فضایی می‌داند که سبب رشد و پیشرفت مادی و معنوی جامعه می‌گردد و در آن انسان به اهداف و غایات مورد اشاره از سوی خالق رهنمون می‌شود. لازم به ذکر است که فضای مذکور محصور در مرزهای جغرافیایی نبوده و آنها را درمی‌نوردد.

تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد، زندگی خوبی داشته باشد، زندگی عزت‌مندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت (بهمنی، ۱۳۹۳: ۲۰۷).

تمدن اسلامی از منظر سید حسین نصر

نصر نیز در تعریف تمدن، به اهداف و غایات تعیین شده از سوی خداوند برای انسان و جامعه اسلامی نظر دارد و آن را محور قرار می‌دهد و در این باره به شاخصه‌های برآورد تمدن مادی غرب تلویحاً می‌تازد و آن را معیاری معتبر و درست نمی‌داند، بلکه تمدن را فراهم‌کننده شرایط و زمینه خلیفه الهی بودن انسان می‌داند نه جنبه‌های مادی تمدن غرب. یک تمدن حقیقی از دیدگاه اسلامی، آن است که همه جنبه‌های آن انسان را متوجه خداوند و فطرت خویش سازد، به طوری که او بتواند نقش جانشینی خداوند را که به سبب آن در زمین استقرار یافته، برآورد. عظمت و حتی اصالت یک تمدن از دیدگاه اسلام، بستگی به این دارد که آن تمدن چقدر می‌تواند زمینه توجه مردان و زنان را به هدف زندگی انسانی، یعنی پرستش خداوند و رفتاری درخور جانشینی خداوند در میان مخلوقات او فراهم سازد؛ نه این که عظمت و اصالت آن را بر این اساس بسنجد که چقدر آن تمدن می‌تواند امکانات حمل و نقل فراهم کند یا دستگاه‌های هوشمند بسازد. از دیدگاه اسلامی ارزش هر تمدنی باید بر اساس تحقق هدف نهایی انسان در زمین باشد، نه بر چیز دیگر. (عالمی، ۱۳۸۸: ۵۴-۵۳)

آسیب‌شناسی عوامل داخلی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

۱. آسیب‌شناسی در امور معنوی

۱-۱. عدم توجه به دو ساحتی بودن انسان

بنا بر مدل جستاری اسپریگنز برای بررسی نظامها و تمدنها الگوی اول مطرح شده مشکل شناسی است. مشکل شناسی می تواند به شناخت آسیبها کمک نماید. بر همین اساس، مشکل بسیاری از تمدنها و فرهنگها تک ساحتی دانستن انسان است و این امر فقط به امور مادی و رفاه مادی انسان نظر دارد. ایت الله خامنه ای می فرمایند: اگر یک تمدنی، یک فرهنگی و یکایینی، انسان را تک ساحتی دانست و خوشبختی انسان را فقط در زندگی مادی دنیایی به حساب آورد، طبعاً پیشرفت در منطق او، با پیشرفت در منطق اسلام - که انسان را دو ساحتی می داند - به کلی متفاوت خواهد بود و جامعه انسانی در مسیر حرکت خود به سوی تمدن اسلامی باید از این آسیب و انحراف دوری نماید؛ وگرنه به سرنشست تمدن مادی گرای غربی مبتلا خواهد شد

اینکه کسانی دنیا را اصل بدانند و آخرت را فراموش کنند؛ یعنی همه تلاش جامعه و برنامه ریزان و سیاستگذاران و حکومت، برای این باشد که زندگی مردم را از لحاظ دنیایی آباد کنند، ولی به بُعد معنوی توجهی نشود. از طرفی، اقبال به مسائل اخروی و دینی، و بی توجهی به مواهب عالم حیات و استعدادهایی که خدای متعال در این عالم قرار داده است؛ و غفلت از دنیا هم یکی از انحرافهاست. (خامنه ای، ۱۳۸۸/۲/۲۷).

۲-۱. سستی عقاید و باورها

آسیب دیگر بر طبق چارچوب نظری تحقیق، عدم باور و عقیده راسخ و راستین به عقاید و آموزهای دینی در جوامع است. در پهنه تمدن اسلامی که شامل بسیاری از کشورهای اسلامی است، این آسیب به طور جدی خودنمایی می کند و حتی عدم التزام عملی به عقاید و باورهای اسلامی موجب بدگمانی به دین اسلام گردیده و مسلمین بدون اعتقاد راسخ به عقاید دینی و پیاده سازی آنها انتظار رسیدن به قلههای تمدن و سعادت را دارند. ایت الله خامنه ای یکی از راههای تسلط فرهنگ و تمدن مهاجم و دوری مسلمانان از اسلام راستین را سستی در عقاید و باورها می داند و برای مثال به یکی از عوامل سقوط اندلس، در سخنرانی مرداد ماه سال ۱۳۷۱ اشاره کرده اند که: «همان کاری را که در اندلس، در قرنهای گذشته کردند؛ یعنی جوانان را در عالم، به فساد و شهوت رانی و میگساری و این چیزها مشغول کردند.» (خامنه ای، ۱۳۷۱/۵/۲۱)

۳-۱. نفوذ اندیشه نادرست

یکی از مشکل شناسی هایی که در نظریه جستاری اسپریگنز مطرح می گردد، وجود دوگانه هایی است که اغلب متضاد هم نمایانده می شوند در حالیکه باهم تباینی ندارند، به

همین سبب در نظرایت‌الله خامنه‌ای آمده است که: عزیزان بدانید این حرفی که «تدین و تمدن باهم تطبیق نمی‌کنند» جزو آن حرف‌هایی است که خیلی کهنه و قدیمی است و اصلاً حرف امروز نیست. زمانی اروپایی‌ها با دینی که داشتند دین مسیحیت تحریف شده کلیسای قرون وسطی با نشانه‌های تمدن مواجه شدند؛ بدیهی است که آن تدین، تدینی بود که اگر کسی «گالیه» می‌شد، حتماً باید سوزانده شود! اگر کسی یک کشف جدید می‌کرد، حتماً بایستی نابود و تکفیر می‌شد.

تدین و تمدن، چرا باید باهم منافاتی داشته باشند؟ تمدن، یعنی زندگی توأم بانظم علمی، با تجربیات خوب زندگی، استفاده از پیشرفت‌های زندگی، و تدین یعنی جهت درست در زندگی داشتن جهت عدل، انصاف، صفا، صداقت و رو به طرف خدا این‌ها باهم چه منافاتی دارند؟! انسانی می‌تواند باین جهت‌گیری، آن‌طور زندگی کند؛ کم‌اینکه خیلی از دانشمندان و متفکرین ما متدین بودند؛ خیلی از پیشروان همین تمدن کنونی اروپا هم البته عمدتاً در دوره‌های بعدی متدین بودند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۱۱/۱۴)

۴-۱. اندیشه انحرافی ایدئولوژی زدایی

آیت‌الله خامنه‌ای نیل به تمدن اسلامی را، بدون ایدئولوژی غیرممکن دانسته و انگارهایدئولوژی زایی را ناصواب قلمداد نمودند، که توسط برخی فیلسوف‌نماهای غربی مطرح گردیده است. بنابراین ایشان وجود ایدئولوژی برای تمدن سازی را از ملزومات بسیار مهم می‌دانند. در واقع غرب بایده‌ئولوژی زدایی قصد خلع ید تمدن اسلامی از اهداف و غایات خود دارد تا بتواند بدون مواجهه با قالب فکری رقیب، فرهنگ منحط مادی خود را به جوامع اسلامی بقبولاند و آنان را دنباله رو خود نماید.

هیچ ملتی بدون دارا بودن یک فکر و یک ایدئولوژی و یک مکتب نمی‌تواند تمدن سازی کند. بدون داشتن یک مکتب، بدون داشتن یک فکر و یکایمان، و بدون تلاش برای آن و پرداختن هزینه‌های آن، تمدن سازی امکان ندارد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳)

۲. آسیب‌شناسی در امور حکومتی و سیاسی

۲-۱. تفکر جدایی سیاست و دین

بر اساس علت شناسی روش جستاری اسپریگنز، فاصله افتادن بین عقل و وحی و یا سنت، دین و سیاست، از علل دیگر ایجاد مشکل در جامعه است. آیت‌الله خامنه‌ای، تفکر جدا بودن دین و سیاست را عین شرک می‌داند و آنرا نوعی انحراف از آموزه‌های قرآن برشمردند و وظیفه مسلمانان را برائت جستن از این موضوع اعلام می‌دارد. ایشان همه

آموزه‌های مدرنیته را نفی ننموده و همه آن را هم نمی‌پذیرند بلکه برخی از آنها را برا پیشرفت جوامع اسلامی لازم می‌دانند و برخی مانند جدایی دین از سیاست که یکی از آموزه‌های اساسی مدرنیسم است را رد نموده و در این راستا به تجربه نبوی در مدینه و تشکیل حکومت استناد نموده و این انگاره اشتباه را یکسر مرود می‌داند و در بیانات خود اشاره نمودند که؛ «قرآن اقامه قسط را هدف از ارسال رسل می‌داند. اولین اقدام پیامبر(ص) پس از هجرت، تشکیل حکومت و اداره سیاسی جامعه بود، و یا دلایل و شواهد فراوان دیگری که بر پیوند دین و سیاست حکم می‌کند.» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۴/۱۴) بر همین اساسیت الله خامنه‌ای از ملزومات تشکیل تمدن اسلامی را تشکیل حکومت اسلامی به واسطه انقلاب اسلامی برشمردند و برای آن چرخه زنجیروار ۵ مرحله‌ای را تعیین نموده‌اند که عبارت است از: ۱. انقلاب اسلامی، ۲. تشکیل نظام (تعیین نظام جمهوری اسلامی)، ۳. تشکیل دولت اسلامی (تدوین قانون اساسی و ایجاد نهادهای سیاسی اجتماعی)، ۴. برقراری جامعه اسلامی، ۵. تشکیل تمدن و امت اسلامی. (مجدمی، هاشمی، ۱۳۹۸: ۳۶)

۲-۲. ضعف در استقلال

استقلال از شرق و غرب در انقلابایران محقق گردید و همین امر موجب عداوت و دشمنی جهانخواران با مردم و نظام اسلامی گردیده است. ایت‌الله خامنه‌ای نبود استقلال را بزرگ‌ترین آسیب یک تمدن معرفی می‌نماید و عدم استقلال را سبب صرف منابع و استعدادهای کشور به نفع قدرتهای خارجی می‌داند. چنین تمدن وابسته‌های دنباله‌رو سایر تمدن‌ها خواهد بود و رو به زوال و اضمحلال خواهد رفت.

وابستگی برای یک کشور و ملت، آفت بزرگی است و همه آفت‌های دیگر، بر آن مترتب می‌شود. ملتی که به یک قدرت خارج از خود وابسته است، خیرات استعدادها و منابع عظیم انسانی و مادی در جهت خاص آن قدرت خارجی مصرف می‌شود، نه در راه خیر ملت. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۳/۱۴)

۲-۳. آسیب‌شناسی در امور علمی، پیشرفت و فناوری

ضرورت پیشرفت علمی همیشه از تاکیدات ایت‌الله خامنه‌ای بوده است. ایشان اعتقاد دارند روند پیشرفت علمی کشور علاوه بر این که نباید متوقف گردد، بلکه نباید از سرعت این پیشرفت کاسته شود. رسیدن به پیشرفت علمی در اشارات ایشان، زیرساخت و پیش زمینه کسب قدرت است. ایشان علم را پایه قدرت می‌داند و آن را دافع تهدیدات دائمی دشمنان تمدن اسلامی قلمداد می‌نماید.

ما احتیاج داریم به اینکه از لحاظ علمی پیشرفت کنیم؛ این نیاز قطعی ما است. اگر از لحاظ علمی پیشرفت نکنیم، تهدید دشمنان تمدنی ما و دشمنان فرهنگی و سیاسی ما، تهدید دائمی خواهد بود؛ آن وقت این تهدید متوقف می شود یا خطرش کم می شود که ما از لحاظ علمی پیشرفت کنیم. بنده بارها روی این مسئله تکیه کرده ام. الان قریب بیست سال است روی این تکیه می کنم و بارها هم این حدیث شریف را خوانده ام که «العلم سلطان»؛ علم، قدرت است. (مجدمی، هاشمی، ۱۳۹۸: ۲۴۶)

در نگرشایت الله خامنه‌ای، تقلید صرف از علم و دانش کشورهای که مدرنیته را پشت سر گذاشته اند و در این مسیر باقی ماندن را یکی از آسیب‌هایی می دانند که در این عرصه وجود دارد و برای رهایی از این آسیب و تقلید صرف، ضمیمه نمودن پژوهش به علم را راهکار آن دانسته است و معتقدند نباید به تقلید و ترجمه اکتفا نمود و رویکرد مصرف کنندگی علم خصوصاً در علوم انسانی، باید به تولید کننده علم بدل گردد. ایشان مخالف یادگیری از دیگران و فرا گرفتن علوم غربی خصوصاً علوم طبیعی و تجربی نیستند، همان گونه که بیان گردید یکسری همه آموزش‌های مدرنیسم را نفی نمی کنند اما مصرف کننده صرف بودن را رد می نمایند. بنابراین در نظرایشان علم، سلطه و برتری ایجاد می نماید و باید با معنویت گره بخورد نه اینکه الزاماً با دین و معنویت منطبق باشد.

۳. آسیب‌های عوامل خارجی

۳-۱. تهاجم فرهنگی

از منظر ایت الله خامنه‌ای؛ تهاجم فرهنگی یکی از مهم‌ترین آسیب‌های بیرونی در روند تحقق تمدن اسلامی است. روند تهاجم فرهنگی غرب علیه نسل جوان و نوجوان کشور از سوی وی به «شیخون فرهنگی» تعبیر گردید. هشدار می‌دهد که از سوی مسئولان فرهنگی کشور جدی گرفته نشد و امروزه شاهد تأثیرات سوء آن بر فرهنگ‌ایرانی و اسلامی در کشور هستیم. در منظومه فکرایشان سلطه فرهنگی مقدمه سلطه اقتصادی و سپس سیاسی است و با تحمیل سبک زندگی غربی به کشورهای در حال توسعه، آنها از حرکت در مسیر علم و پیشرفت باز خواهند ماند.

فرهنگ و تمدن غربی باتکیه بر ابزارها و امکانات وسیع خود؛ در تلاش است که بتواند سیطره فرهنگی اش را بر تمام جوامع بشری افکند و می‌کوشد فرهنگ مادی‌گرایی را در تمام جوامع به فرهنگ غالب تبدیل کرده و راه را بر هر نوع بدیلی ببندد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۹/۷)

۲-۳. گسترش ارتباطات و جهانی شدن

گسترش ارتباطات سبب درنوردیده شدن مرزهای ملی گردیده و از قدرت و کنترل دولتها بر جامعه و حوزه سرزمینی خود کاسته است. وابسته گردیدن از لحاظ فکری و فرهنگی به فرهنگ مهاجم، سبب وابستگی در سایر عرصه‌ها می‌گردد. ایجاد بستر اینترنت، گسترش شبکه‌های ماهواره‌ای و فضای مجازی آسیب‌های جدی بر پیکره تمدن اسلامی وارد کرده است. ازدیدگاه ایت‌الله خامنه‌ای هدف دشمن وابسته ساختن و سپس سلطه یافتن بر کشور است و این فضای رسانهای باید مدیریت شود و نباید به حال خود رها گردد. هدف استکبار جهانی از پدیده جهانی شدن؛ وابستگی است و از این راه؛ به دنبال سلطه سیاسی، امنیتی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و صنعتی بر دنیا هستند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۷/۲۸)

۳-۳. تقلید از تمدن و سبک زندگی غربی

ما برای ساختن بخش از تمدن نوین اسلامی، به شدت باید از تقلید پرهیز کنیم؛ تقلید از آن کسانی که سعی دارند روش‌های زندگی و سبک و سلوک زندگی را به ملت تحمیل کنند. امروز مظهر کامل و تنها مظهر این زورگویی و تحمیل، تمدن غربی است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳)

آیت‌الله خامنه‌ای تقلید از فرهنگ غربی را، که نگرش خصمانه نسبت به سایر تمدنها دارد و در نظریه «برخورد تمدنها» توسط هانتینگتون بروز و ظهور یافته است، را، به شدت نهی نموده و در مسیر تمدن سازی به احراز از آن امر می‌کنند. این فرهنگ مهاجم با سست نمودن عناصر بنیادی اعتقادی و هنجاری جامعه، همچون بیماری مهلک، دیانت و اخلاق را تضعیف نموده و با تقلید از فرهنگ و سبک زندگی غربی، زمینه رواج اخلاق منحط غربی فراهم می‌شود و انحراف جامعه را در پی دارد. ایت‌الله خامنه‌ای قبلاً نیز هشدار داده بودند که عده‌ای در صدد ترویج اخلاق و سبک زندگی غربی با هدف به انحراف کشاندن جامعه اسلامی هستند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۶/۳/۱۷) ایشان معتقدند؛ عده‌ای در صدد ترویج اخلاق و سبک زندگی غربی با هدف به انحراف کشاندن جامعه اسلامی هستند. راه اصلاح حاکمیت از تغییر باورها و تغییر باورها از طریق تغییر سبک زندگی و مطابقت نظم رفتاری مردم با نظم غربی می‌گذرد. در این صورت خواست مردم با خواست حاکمیت

اسلامی متفاوت و متعارض می‌شود و در نتیجه حاکمیت و انقلاب اسلامی به تبع از خواست جامعه تغییر مسیر خواهد داد.

۴-۳. انحصار علم توسط غرب

غرب با به دست آوردن علوم و تکنولوژی، سعی در ممانعت سایر ملل دنیا از دست یابی به آن گردیده است و بدین سان یک انحصار علمیا ایجاد نموده است. این انحصار وسیله‌های برای استثمار و استعمار سایر کشورها گردیده و از آن به عنوان وسیله‌های برای بسط سلطه خود بر دیگران سود جسته‌اند. سعی کردند علم را انحصاری کنند؛ سعی کردند این وسیله پیشرفت و سیادت را برای خودشان نگه‌دارند و از آن حداکثر استفاده را برای به دست آوردن سیادت سیاسی و اقتصادی ببرند. در طول تاریخ بشریت که علم و تمدن دست‌به‌دست گشته، ما چنین چیزی را سراغ نداریم. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۷/۲۱)

۵-۳. دامن زدن به نزاع و اختلاف

با انقلاب اسلامی همیشه وحدت بین مذاهب اعم از شیعه و سنی از سوی بنیانگذار انقلاب اسلامی و سپس‌ایستاد الله خامنه‌ای دنبال گردید. رهبر انقلاب، یکی از پیش‌نیازهای تحقق تمدن اسلامی را منوط به شکل‌گیری امت واحده می‌داند که نزاع و اختلاف بین مذاهب و ملیتهای مختلف در عرصه تمدنی اسلامی بدان آسیب جبران‌ناپذیری وارد می‌سازد؛ بهمنی در «تمدن نوین اسلامی در اندیشه‌های الله خامنه‌ای» موضوع امت در شکل‌گیری تمدن اسلامی از منظر ایستاد الله خامنه‌ای را این‌گونه آورده است که؛ «ایشان ضمن اشاره به تنوع ملیتها و کشورها در درون امت اسلامی، دستیابی به تمدن مطلوب قرآنی را به عنوان چشم‌انداز مشترک امت اسلامی در کشورهای مختلف دانسته‌اند.» (بهمنی، ۲۰۸:۱۳۹۳) لذا با توجه به تلاش دشمن برای ایجاد تفرقه و دشمنی، باید از هرگونه عمل و گفتاری که سبب آسیب به فرایند تشکیل امت اسلامی می‌گردد اجتناب نمود.

با دقت دارندکار می‌کنند. اختلافات را برجسته می‌کنند. گرایش‌های انحرافی را هم در طرف شیعه و هم در طرف سنی تقویت می‌کنند. در مقابل اسلام دست‌به‌دست هم داده‌اند، موشکافی می‌کنند تا نقطه ضعف‌ها را پیدا کنند، از آن نقطه ضعف‌ها استفاده کنند؛ نقاط نفوذ را پیدا کنند و از آن نقاط نفوذ به ما ضربه بزنند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۷/۱۷)

آسیب‌شناسی از دیدگاه سید حسین نصر

۱. عوامل درون تمدنی

۱-۱. امور دانش و علم

سید حسین نصر بر عکس دو طیف از متفکران که یا غرب و پیشرفت‌های حاصل از مدرنیته را رد می‌کنند و یا در قبول بدون چون چرای آن راه افراط می‌پیمایند نگرشی بینا بین و متعادل دارد. نگرش او بهاین مقوله نگرشی سلبی نیست اما، همه مظاهر آن را نیز بدون چون و چرا نمی‌پذیرد. یکی از بنیادی‌ترین تفکرات نصر درباره آسیب‌های تمدن اسلامی، حوزه علم و دانش است. نصر با توجه به رویکرد آسیب شناسانه خویش، دو رهیافت را برای تمدن اسلامی برای چیرگی بر تمدن غربی و مدرنیته مشخص کرده و در اثر خود «اسلام، علم، مسلمانان و فناوری» نشر «اطلاعات» می‌گوید: «اگر تمدن اسلامی بخواهد حیات تمدنی خود را ادامه دهد، تأمل دوباره در باب بنیادهای علم مدرن و مبانی نظری آن ضروری می‌باشد.» (نصر، ۱۳۹۰: ۵۹) او معتقد است که مسلمانان از لحاظ نظری باید در علوم غربی مهارت یابند و به شکلی بر آن چیره شوند؛ آنگاه از نظر عملی، با نگاهی انتقادی برپایی سنت فکری اسلام و تحت اشراف نگاه مابعدالطبیعی جهانی اسلام با معیار مشخص و مستقل، به بازخوانی و بازسازی، قبول یا رد جنبه‌های گوناگون علم مدرن بپردازد. (نصر، ۱۳۷۷: ۲۴۹-۲۴۸)

۲-۱. امور فرهنگی

۲-۱-۱. گسست زمانی [تاریخی]

نصر گسست زمانی تمدن اسلامی با دوران شکوه و عظمت خود را یکی از آسیب‌های آن برمی‌شمرد و راه حل علاج‌این واقعه را که دوباره رجوع توسط متجددان به فرهنگ و تمدن غربی است را، خود آسیبی دیگر براین آسیب‌ها می‌داند. سید رضا عالمی در اثر خود به نام «آسیب شناسی تمدن اسلامی؛ مبتنی بر اندیشه‌های سید حسین نصر»، اشاره می‌دارد؛ «پرخطرترین و ملموس‌ترین آنها این است که امروزه یک مسلمان، چند سده انفصال و گسست بین فرهنگ و آداب و رسومی که امروز از آن برخوردار است، با فرهنگ و آداب و رسوم سنتی در تمدن اسلامی احساس می‌کند؛ چرا که او افتخارات گذشته فرهنگی خود را نه در قرون گذشته نوزده و بیست میلادی، بلکه حداکثر در قرن‌های یازده و دوازده میلادی (چهارم و پنجم قمری) جستجو می‌کند. ازاین رو، برای ترمیم و بازسازی این انفصال و گسست، اگر نگوئیم مانند متجددان در جهان اسلام یکسره به سراغ مبانی فرهنگی غرب می‌رود و فرهنگ اسلامی را به شمار نمی‌آورد، دست کم از مبانی فرهنگی تمدن غرب در کنار سنت اسلامی مدد می‌جوید. این امر آسیب‌ها و صدمات بسیاری را به ویژه در حوزه فرهنگی و سیاسی متوجه مسلمانان می‌کند.» (عالمی، ۱۳۸۹: ۱۲۲-۱۲۳).

۲-۲-۱. گسست جغرافیایی [مکانی]

نصر معتقد است که امروزه به دلیل پراکندگی و استقلال کشورهای اسلامی از یکدیگر، مسلمانان از وضعیت و پیشرفتهای تمدنی سایر کشورها و مناطق اسلامی اطلاع ندارند و این موضوع زمینه را برای جدایی فرهنگهای گوناگون تمدن اسلامی از یکدیگر فراهم می آورد. به نظر وی مهم ترین دلایل گسست فرهنگی، آسیب دیدگی فرهنگها از جریان استعمار و غرب زدگی است. (دانش کیا، درزی، ۱۳۹۹: ۶۸)

بدین سان، جدایی جغرافیایی به دلیل ترسیم مرزهای جغرافیایی از سوی غربیها، سبب جدا افتادن فرهنگهای اسلامی در غالب کشورهای مسلمان از یکدیگر گردیده است. این دوری سبب ساز آسیبهای جدی به وحدت فرهنگی جوامع مسلمان شده است و زمینه استیلا فرهنگ غربی را فراهم نموده است.

۳-۲-۱. گسست الگوها

وجود دو الگوی اسلامی که از مدینه النبی برگرفته شده و الگوی غربی که بر عقلانیت حاصل از مدرنیته استوار است بر اساس نظر اسپریگنز دو گانه‌های رایج را ایجاد می نماید که اساس ایجاد مشکل و گسست، در جوامع سنتی است. جوامعی که بین چالش قبول و یا رد الگوهای غربی مدرنیسم و مظاهر تمدنی آن قرارداد دارند.

از دیدگاه نصر؛ گسست سوم به دلیل الگو برداری دو گانه مسلمانان امروزی می باشد. از یک طرف جامعه مدینه النبی (ص) الگوی مسلمانان بود و از طرفی دیگر در عصر حاضر؛ غرب به عنوان یک الگو مطرح می باشد. (نصر، ۱۳۸۴: ۱۶)

۳-۱. آسیب شناسی در امور شریعت و دین

دین در رهیافت نصر به سوی آسیب شناسی تمدن اسلامی، از اهمیت بسیار برخوردار است که برای شریعت و دین در تمدن اسلامی معاصر دو گونه آسیب و چالش تصور می شود؛ آسیب هایی که موجودیت شریعت و دین را مورد تهدید قرار می دهد و آسیب هایی که دینداری و متشرع بودن مسلمانان یا ایمان دینی را ضعیف می سازد. (عالمی، ۱۳۸۹: ۱۲۹)

دین در نظر نصر فراتر از زمان و اعصار است و قابلیت کار بست اصول غیر قابل تغییر آن در هر شرایط و دوره های فراهم است. او برخی نیازهای بشر را حتی در عصر پیشرفت علم و فناوری مدرنیسم، ثابت دانسته و برای آن اصولی ثابت قائل است و بنابراین بر خلافین اندیشه که دین از عرصه زندگی بشر رخت بر خواهد بست اشتباه است. او یکی از آسیبهای وارده را تقابل با تمدن غرب می داند، زیرا کسانی که تحت نفوذ اندیشه غربی هستند، با ذهنیتی که در مقابل مسیحیت ایستادند، و اصول آن را دستخوش تغییر نمودند،

اکنون در صدد تغییر اصول دین اسلام هستند. نصر عقیده دارد انسان نباید به تغییر این اصول اقدام کند، بلکه باید خود را با آن هماهنگ نماید.

۱-۳-۱. امت

امروزه می‌توان گفت بیش از هر مقطع تاریخی دیگری، امت اسلامی به دلیل تأثیر مدرنیته، از لحاظ سیاسی و فرهنگی از هم گسیخته شده است. اگر اهمیت دیدگاه فرآینی امت را که تقریباً تمامی مسلمانان در قلب و ذهن خود دارند، دست کم بگیریم اشتباه بزرگی مرتکب شده‌ایم. (نصر، ۱۳۸۵: ۱۵۹)

از دیدگاه نصر؛ یکی از چالش‌های عظیمی که حال و آینده تمدن اسلامی را تهدید می‌کند، آمیختگی و التقاط اسلام و ملی‌گرایی وارداتی از غرب است. امروزه تمدن اسلامی بازگشت به معیارهای جاهلی را تجربه می‌کند. چرا که فرهنگ یکپارچه اسلامی را که بر پایه اعتقاد به امت واحده اسلامی شکل گرفته است، بر اساس معیارهای سرزمینی و نژادی یا زبانی تقسیم بندی می‌کنند. مرتبط ساختن اسلام با سرزمین و نژاد و آداب و رسوم جاهلی، دقیقاً همان چیزی است که اصولاً اسلام برای خارج کردن آنها از زندگی انسانها آمده است. (نصر، ۱۳۸۵: ۲۹۴)

۲-۳-۱. ارتباط دین و سیاست

بر اساس الگوی جستاری اسپریگنز دوگانه مذهب و سیاست می‌تواند تولید مشکل نماید و در تمدن سازی از موانع مهم است. برخی دلیل پیشرفت غرب را جدایی دین از سیاست دانسته و به دلیل تاثیرات شگرف علم و صنعت غربی بر جوامع مسلمان، و پیشرفت این جوامع، شکاف بین دین و سیاست با الگوگیری جوامع مسلمان از الگوی سکولار غربی بیشتر گردید.

از یک سو این آسیب ناشی از انحطاط تمدن در کشورهای اسلامی بود و از سوی دیگر ناشی از مشاهده پیشرفت غرب می‌شد که با کنار گذاشتن مذهب در اروپا مقارن بود. لذا دانشمندان مسلمان؛ با تجربه جدایی دین از سیاست در اروپا مواجه شدند. این تفکر در ابتدای کار، از جانب استعمارگران اروپایی در کشورهای اسلامی و پس از آن از سوی نخبگان سیاسی نسل اول غرب زده در کشورهای اسلامی، دنبال شد. افرادی همچون رضاخان، امان الله خان و آتاتورک در ایران، افغانستان و ترکیه، حکومت‌هایی بر اساس معیار غربی را توصیه و تجویز می‌کردند. آتاتورک نهاد حکومتی خلافت را نهادی ناکارآمد اعلام کرد و در نهایت آن را کنار گذاشت. (بابی، ۱۳۷۹: ۷۱)

۲. عوامل برون تمدنی

۱-۲. علم و فناوری غربی

با ظهور عصر روشنگری در اروپا نحوه نگرش فلسفی به امور تغییر نمود و با محور قرار گرفتن اندیشه انسان محوری از سوی دکارت، انسان و عقل او برای اداره جامعه جایگزین دستورات خداوند گردید. این تحول فلسفی هدف بشر را کسب ثروت و لذت تعریف نمود و با صنعتی شدن اروپا موجب تغییر در کمیت و کیفیت تولیدات گردید. وجود انباشت سرمایه در غرب آنان را متوجه ملل شرق نمود و با تجارت و استعمار، علم و فرهنگ غربی به تمدن شرقی، خصوصاً اسلامی یورش آورد.

هجوم علم و فناوری مدرن غربی، با توجه به نگرش متفاوت آن نسبت به علوم اسلامی یکی از آسیب‌های عمده تمدن اسلامی به شمار می‌آید. از نگاه نصر، شکل‌گیری علم مدرن در غرب بیشتر برآیند و نتیجه بسیاری از دگرگونی‌ها در حوزه فلسفی بود که نگرش و رویکرد انسانی مدرن را به علم و در کل مجموعه هستی تغییر داد. (نصر، ۱۳۸۲: ۲۵۲)

۲-۲. ارائه الگوی غربی

از دیدگاه حسین نصر، مسلمانان بیشترین تأثیر ازدنیای متجدد و مدرن را از شیوه زندگی جدید متأثر از مدرنیسم می‌پذیرند. سبک زندگی غربی فقط جلوه‌های رفاه را می‌نمایاند و با نمایش زندگی مرفه غربی الگویی غیرواقعی ارائه می‌دهد. این امر سبب دوری مردم جوامع مسلمان، خصوصاً جوانان از رعایت حدود و سنن الهی گردیده است.

چالش اساسی جهان غرب با تمدن اسلامی، پیش از آنکه ناشی از فلسفه وایدئولوژی باشد ناشی از شیوه‌های نوین زندگی است. (نصر، ۱۳۸۳ الف : ۳۴۶) آسیب عمده‌ای که از این مسیر تمدن اسلامی و بویژه مسلمانان راتهدید می‌کند، دامنه نفوذ روزافزون فرهنگ عامیانه غربی به‌ویژه توسط رسانه‌هاست، فرهنگ و آدابی که به دلیل حجم و تنوع بسیار آن، مسلمان امروزی را از پرداختن به فرایض دینی و عمل به شریعت اسلام و اندیشیدن در ساحت سنت اسلامی بازمی‌دارد. (نصر، ۱۳۸۵: ۳۱۷-۳۱۸)

۳-۲. اختلافات مذهبی و سیاسی

تشدید اختلافات قومی و مذهبی و نیز ترسیم مرزهای جغرافیایی بر اساسین عناصر، سبب منازعات طولانی و بعضاً دائمی در برخی از مناطق جغرافیایی و کشورها گردیده است. این اقدامات در مسیر ایجاد تمدن اسلامی مانع‌ایجاد می‌نماید و دستیابی به یک تمدن نوین را شکل می‌نماید. بر کسی پوشیده نیست که امروزه کانون‌های بحرانی در جهان اسلام نظیر فلسطین، کشمیر و بالکان، نتیجه تقسیمات سیاسی می‌باشد که به واسطه نفوذ استعماری غرب در جهان اسلام برجای مانده است. این بحران‌ها هنگامی که باایدئولوژی‌ها و

جریان‌های اجتماعی و سیاسی وارد شده از غرب، مانند سکولاریسم، ملی‌گرایی و همچنین حمایت پیوسته غرب از برخی نخبگان سیاسی و دولت‌های طرفدار غرب در جهان اسلام همراه می‌شود، آسیب‌های فراوانی را متوجه مسلمانان و تمدن اسلامی می‌کند. (نصر، ۱۳۸۵: ۱۶۲)

۴. تشابه و افتراق نظرات

۴-۱. تشابه نظرات

به طور کلی، از لحاظ نوع تقسیم‌بندی آسیب‌ها به دو نوع درونی و بیرونی و تاکید بر آسیب‌های موجود داخلی، در نظر هر دو متفکر تشابه نظر وجود دارد. از نظرگاه جزئی‌تر در عوامل درونی، هر دو متفکر هدف و غایت تمدن اسلامی را همان هدف تعیین شده در قرآن از سوی خداوند دانسته، هر دو منافاتی را در تدین و تمدن نمی‌بینند، بر محوریت توحید و معنویت در شکل‌گیری تمدن اشاره دارند و دوری جستن از آموزه‌های اصیل اسلامی را جزو آسیب‌ها می‌شمارند و در نظر هر دو مفکر، تمدن اسلامی محصور در مرزهای جغرافیایی نبوده و موانع موجود بر سر راه شکل‌گیری امت واحده، از دیگر آسیب‌های یاد شده عوامل داخلی است. ایت‌الله خامنه‌ای و دکتر صدر، در مورد عوامل خارجی، آسیب و چالش مهم را تهاجم فرهنگ غرب، مدرنیته، ارائه الگو و سبک زندگی غربی و انحصاری بودن علم و تکنولوژی غربی تشخیص داده‌اند و ایجاد اختلاف و تفرقه قومی و مذهبی را برای یکپارچگی تمدن اسلامی خطری بزرگ می‌دانند.

۴-۲. افتراق نظرات

مهم‌ترین تفاوت در نظرات ایت‌الله خامنه‌ای و دکتر نصر این است که، ایت‌الله خامنه‌ای تشکیل تمدن اسلامی را منوط به تشکیل حکومت اسلامی بر اساس ۵ مرحله زنجیروار شرح داده شده می‌داند و نصر بهاین مورد اشارهای نمی‌نماید. همچنین در نظرات کلی، ایت‌الله خامنه‌ای رویکردی سلبی به تمدن غرب دارند، اما نصر نگاه سلبی به تمدن غرب نداشته ولی همه مظاهر آن را نمی‌پذیرند. دیدگاه‌های ایت‌الله خامنه‌ای در مورد تمدن سیاسی است، اما سید حسین نصر دیدگاهی فرهنگی و تاریخی به موضوع تمدن دارد. نصر علم غربی و مدرنیته را آسیب‌زننده به تمدن اسلامی می‌داند اما ایت‌الله خامنه‌ای در این مورد نظر معتدل‌تری دارد. نصر به گسسته‌های زمانی و مکانی به عنوان آسیب تمدن اسلامی اشاره نموده است در حالیکه در نظرات ایت‌الله خامنه‌ای، بهاین امور اشارهای نگردیده است.

نتیجه گیری

در مقاله حاضر به آسیب‌هایی که تمدن اسلامی با آن مواجه است، در راستای پاسخ به سوال پژوهش در مورد وجوه اشتراک و افتراق اندیشه ایت الله خامنه‌ای و سید حسین نصر اشاره گردید و در نهایت با توجه به تفاوت‌های دو متفکر، به عنوان فقیه سیاسی که نماینده اسلام سیاسی و انقلاب ایران را رهبری می‌نماید و دیگری که فیلسوف سنت‌گرای اسلامی است، اشتراک نظر بالایی در اشاره به آسیب‌های تمدن اسلامی وجود دارد. همچنین این امر فرضیه پژوهش را تایید نموده و نشان می‌دهد که، آسیب‌های برشمرده شده با محوریت خوانش انتقادی و تاکید بیشتر بر عوامل داخلی در نظر هر دو برجسته است. بنابراین در منظومه تمدنی هر دو متفکر قرابت و تجانس بیشتری نسبت به آسیب‌های تمدن اسلامی وجود دارد تا افتراق دیدگاه. با وجود سطح بالایی از اشتراک نظر، در نوع تفکیک آسیب‌ها به عوامل درونی و بیرونی، اندک تفاوت‌های یاد شده، به دلیل جاگذاری پارامترهای دسته بندی شده در دو عوامل بیرونی و درونی است؛ بدین سان که، اگر سید حسن نصر، برخی از آسیب‌ها را در عوامل خارجی جای داده است، در عوض در عوامل داخلی که از سوی ایت الله خامنه‌ای طبقه بندی شده، بدانها پرداخته شده است و این دقت نظر می‌تواند رافع شبهه وجود اختلاف در اندیشه دو متفکر باشد. از تفاوت‌های بارز و قابل اشاره در دیدگاه دو اندیشمند در تحلیل آسیب‌ها، این است که آیت الله خامنه‌ای بر لزوم تشکیل حکومت اسلامی با طی مراحل ۵ گانه نظر دارد و این تفاوت دیدگاه برگرفته از منشاء تفکرایشان به عنوان یک فقیه سیاسی و حاکم جامعه اسلامی است که نصر بدان پرداخته است. از سوی دیگر دکتر نصر به گسست زمانی و جغرافیایی در بخش عوامل درونی اشاره نموده است و آن را از آسیب‌های تمدن اسلامی قلمداد نموده، که در نظرگاه ایت الله خامنه‌ای بدان اشاره‌های نگردیده است. وجود سطح بالایی از اشتراک نظر در برشمردن آسیب‌های تمدن اسلامی در بین دو متفکر یاد شده، می‌طلبد که دست اندرکاران و افراد و نهادهای دخیل در بنا نهادن و تقویت تمدن اسلامی بیشتر بدانها توجه نموده و از این آسیب‌ها دوری نمایند تا تمدن نوین اسلامی به دوران عظمت و شوکت خود بازگردد.

منابع و مآخذ:

- ۱- اسماعیلی، محمد مهدی، عباسی، میثم (۱۳۹۵)، «تاملی در اندیشه سیاسی غزالی با بهره گیری از الگوی روش شناسی اسپریگنز»، **سیاست**، دوره ۴۸؛ ۳.
- ۲- بابی، سعید (۱۳۷۹)، **هراس بنیادین، اروپامداری و ظهور اسلام گرایبی**، ترجمه غلامرضا جمشیدینیا، موسی عنبری، تهران: دانشگاه تهران، چاپ اول.
- ۳- برزگر، ابراهیم (۱۳۹۶)، «اندیشه سیاسی روزبهان خنجی و الگوی اسپریگنز»، **سیاست**، دوره ۴۷؛ ۱.
- ۴- بهمنی، محمدرضا (۱۳۹۳)، **تمدن نوین اسلامی در اندیشه‌های الله خامنه‌ای (چیستی و چگونگی تکامل تمدن جمهوری اسلامی ایران)**، نقد و نظر، ۱۹؛ ۲.
- ۵- تاجیک، نرگس، عباسی، مسلم (۱۳۹۱)، «امکانات رویکردهای میان رشته‌ای در بررسی شکل گیری اندیشه‌های سیاسی»، **مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی**، دوره ۵؛ ۱.
- ۶- حسینی، سید حسین (۱۳۹۵)، **تمدن پژوهی**، چاپ اول، تهران: جامعه شناسان.
- ۷- خامنه‌ای، سید علی، مجموعه بیانات در **وب‌گاه** <https://farsi.khamenei.ir>.
- ۸- خامنه‌ای، سید علی، مجموعه بیانات در **پایگاه اطلاع رسانی** <https://www.LEADER.IR>.
- ۹- دانش کیا، محمدحسین، درزی، علی (۱۳۹۹)، بررسی تطبیقی دیدگاه شهید مطهری و سید حسین نصر درباره انحطاط تمدن اسلامی ایرانی و راههای برون رفت از آن، **تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی**، ۱۱؛ ۳۹.
- ۱۰- عالمی، سیدعلیرضا (۱۳۸۹)، **آسیب شناسی تمدن اسلامی مبتنی بر اندیشه‌های سید حسین نصر**، قم، نشر مرکز ترجمه و نشر بین المللی المصطفی، چاپ اول.
- ۱۱- عالمی، سیدعلیرضا (۱۳۸۸)، **آسیب شناسی فرهنگ و تمدن اسلامی از دیدگاه سید حسین نصر**، **تاریخ پژوهان**، ۲؛ ۱۸.
- ۱۲- فاضل قانع، حمید (۱۳۹۶)، **ظرفیتهای تمدن اسلامی**، قم، مرکز ترجمه و نشر بین المللی جامعه المصطفی، چاپ دوم.
- ۱۳- کریمه مله، علی، قولسلفی، محمدتقی، گرشاسبی، رضا (۱۴۰۱) «فهمی اسپریگنزی از چگونگی برآمدن اندیشه باستان گرایی در زمان پسامشروطه»، **جامعه شناسی سیاسی جهان اسلام**، دوره ۱۰؛ ۲۰.
- ۱۴- مجلدمی، عبدالله، هاشمی، مرتضی (۱۳۹۸)، **نگاه دوم؛ تگرشی نو به بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی**، قم، معارف، چاپ اول.
- ۱۵- نصر، سید حسین (۱۳۷۷)، **نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت**، تهران: خوارزمی، چاپ چهارم.
- ۱۶- نصر، سید حسین (۱۳۸۲)، **نیاز به علم مقدس**، ترجمه حسن میاندری، قم، موسسه فرهنگی طه، چاپ دوم.
- ۱۷- نصر، سید حسین (۱۳۸۳)، **اسلام و تنگنای انسان متجدد**، ترجمه انشاء الله رحمتی، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی، چاپ اول.
- ۱۸- نصر، سید حسین (۱۳۸۴)، **جوان مسلمان و دنیای متجدد**، ترجمه مرتضی اسعدی، تهران: طرح نو، چاپ ششم.
- ۱۹- نصر، سید حسین (۱۳۸۵)، **قلب اسلام**، ترجمه سید محمدصادق فرازی، تهران: نشر نی، چاپ دوم.
- ۲۰- نصر، سید حسین (۱۳۸۵)، **اسلام - مذهب، تاریخ و تمدن**، ترجمه عباس گیلوری، تهران: دبیرش-روزبهان، چاپ اول.
- ۲۱- نصر، سید حسین (۱۳۹۰)، **اسلام، علم، مسلمانان و فناوری**، ترجمه سید امیرحسین اصغری، تهران: اطلاعات، چاپ اول.